

به خودسری‌ها پایان دهیم



سکینه سادات پاد

دستیار سابق رئیس‌جمهور

روایت حقوق و آزادی‌های اجتماعی از منظر قانون اساسی، به همه خودسری‌ها پایان می‌دهد. در این روایت و در نگاه رای آن یعنی قانون اساسی هیچ برابری برابرتر نیست، هیچ تفاوتی نه امتیاز است نه موجهی برای سلب امتیازمی شود. مطابق برخی از پژوهش‌ها مهم‌ترین دلیل مهاجرت زیاد سال‌های اخیر همین احساس تبعیض شهروندان و نقض اصل نوزدهم است. در زمان تصویب این اصل و مطابق صورت مشروح مذاکرات به مبانی شرعی اصل برابری و عدم تمایز شهروندان پرداخته شده است و ویژگی‌های عرضی که در متن اصل از باب تمثیل به آنها اشاره شده است سببی برای تمایز نبوده است. بر اساس باور دینی، برابری حقوقی این است که افراد به تناسب هوش و استعداد و شایستگی خود از حقوق و امتیازات اجتماعی برخوردار باشند، اما اینکه آیا در عالم واقع متلا افراد جامعه فرصت برابر برای دستیابی به شغل داشته‌اند یا نه؟ مردم به عنوان ذی نفعان بر این باورند که فرصت برابر در برابرها نبوده است و خاستگاه سیاسی و طبقاتی تعیین کننده بوده است و لذا مفاهیمی چون آفازادگی، نژور چشمی، جوان من، پدرخوانده و مادرخوانده سیاسی، خون سالاری، خاندان سالاری وارد ادبیات سیاسی و حتی محاوره‌ای شده است و وجود و کارکرد این مفاهیم برای مردم هم باورپذیر شده‌اند، لذا در این نقطه توجه به سمت رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و پاسدار آن معطوف می‌شود، چون سوگند شرعی را مطابق اصل ۱۲۱ قانون اساسی وثیقه تعهد قانونی خود قرار داده است. از حیث حقوقی بهره‌مندی آحاد شهروندان از حقوق مساوی یک قاعده بوده، البته در اصول بعدی مثل اصل ۲۰ وجوه و ساحت این تساوی را شفاف‌تر کرده و تصریح مضاعفی هم مبنی بر عدم تاثیر جنسیت در این تساوی داشته است. در دولت سیزدهم به عنوان مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی که به دلیل تخصص و استقلال رای توسط شهید رئیسی منصوب شدم، اگر چه اختیارات و امکانات نداشتم اما اصل تاسیس این جایگاه را نشان از اعتقاد واقعی و تصمیم جدی رئیس‌جمهور به فصل سوم قانون اساسی می‌دانم که در عمل جالش‌هایی داشت و اولین چالش حضوریک فرد متخصص و مستقل در ساختار بود، نظر حقوقی بر اساس قانون اساسی می‌داد اما در درون دولت و بیرون مورد هجمه تندرورها از دو طیف واقع می‌شد چون اجرای قانون اساسی برای بعضی تضاد منافع است و البته برخی نیز اساسا فهمی از قانون اساسی ندارند و این ملموس‌تر شدن بحث و انسجام معنایی می‌توانم بگویم خودم مورد تبعیض و تمایز بودم چون شاخص‌های خلاف قانون اساسی در گزینش من نقض شده بود. البته این تبعیض در تعامل و همکاری در دولت چهاردهم نیز ادامه پیدا کرد، در اوایل انتصاب در صیانت از این اصل و سایر اصول قانون اساسی مثل اصول ۲۶ و ۳۷ قانون اساسی نظر مخالف خود را با دستورالعمل ۱۷ ماده‌ای وزارت کشور و اعمال محدودیت‌های خلاف قاعده برای زنان و دختران ایران اعلام کردم چون آن را خلاف قانون اساسی و شرع می‌دانم، در آن مقطع این نوعی ناهماهنگی در دولت تلقی شد لذا مقامی که وظیفه‌اش تأمین لجستیک من بود از باب تنبیه تحریم‌های سختی اعمال کرد که همان تحریم‌ها نیز نقض حقوق ملت تفسیر می‌شود چون مانع مراقبت و اجرای صحیح قانون اساسی می‌شدند، در راستای مراقبت و اطمینان از اجرای این اصل باید در دادگاه خبرنگاران حاضر می‌شدم اما امکان حضور میسر نمی‌شد، آموزش حقوق شهروندی از طریق رسانه ملی اولین حق مردم و بدیهی‌ترین وظیفه من بود اما امکانش سلب می‌شد و دلیل آن نیز عدم آموزش قانون اساسی به خود مسئولین و عدم فهم آنها نسبت به وظایف و تکالیف قانونی خودشان بود، برای موفقیت در اجرای این اصل سراغ همراه کردن متولیان قدرتمندتر و مورد اعتمادتر دولت نظیر معاونت حقوقی و دبیر هیات اجرای قانون اساسی رفتم که صراحتا نظر تخصصی خود مبنی بر مغایرت برخی دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های اداری و وزارتی با قانون اساسی را بیان کنند، اما پاسخی دریافت نکردم، در دولت چهاردهم هم که علی‌اش شجاع و آزادی‌های اجتماعی را داد و می‌دهد چون رویکرد سیاسی بر متولیان گماشته شده بر رویکرد تخصصی و حرفه‌ای حاکم و غالب است فاقد استراتژی صحیح است، بنابراین باعث نهاده‌بینه شدن حقوق و آزادی‌های اجتماعی و فردی نمی‌شود، اگرچه سختی اظهار نظر شبیه آنچه در دولت قبل بر من گذشت اکنون وجود ندارد و از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی حرف زدن هزینه ندارد و این هم مزیت است و هم، در صورت عدم اصلاح رویه و اراده واقعی غیرنمایشی، ادامه روند گذشته خواهد بود و شاخص‌ها را در اجرای قانون اساسی به سمت تغییری که منجر به ارتقا شود نخواهد برد. لذا یافته‌های زیسته کوتاه من غیر آفازاده، این است که هر بی‌نسبت یا سیاسیون و کانون‌های قدرت ولو متخصص و مستقل وارد ساختار شود دستی دستش را برای خدمت ولو احمای ارزش‌های انقلاب اسلامی و در راس آن قانون اساسی باشد، نمی‌فشارد ضرورت حضور انسان‌های غیرمتملق، دلسوز، حرو و شجاع که شرط آن، نداشتن مصلحت‌های زیان‌بند و دست و پابند است در ساختارهای سه قوه به منظور پیشرفت و توسعه ایران عزیز اولویت جدی است و قدیم محکم و اول در شایسته‌گزینی است باید با تمنا آنها را برای حکمرانی فراخواند تا مردم از نتایج آن بهره‌مند شوند این یکی از بایسته‌های حکمرانی شایسته است، شاخص‌های اصولی و قانونی را جایگزین قبیله سالاری کنیم این وقایع واقعی یا مردم و نخبگان است نه ائتلاف یا سیاسیون که هر غریب‌ایسته‌ای بر مردم تحمیل شود.

# آرمان ملی

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## کشور در تله توسعه

## گرفتار شده است



تثبیت شکل دهی تئوفودال در ایران

فرایند اقتصادی را متوقف کرده است

در دودهمه گذشته نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار فرار

سرمایه داشته‌ایم

آرمان ملی – احسان انصاری: کمال اطهاری اقتصاددان و پژوهشگر

توسعه است که تألیفات مهمی در زمینه توسعه در ایران داشته است. وی از جمله صاحب‌نظرانی است که از مدت‌ها قبل نسبت به وضعیت کنونی جامعه ایران هشدار داده بود و عنوان کرده بود در صورتی که برخی سیاست‌ها و رویکردها در کشور تغییر نکنند جامعه با چالش‌های جدی در آینده مواجه می‌شود که به نظر می‌رسد هشدارهای وی امروز رنگ واقعیت به خود گرفته و جامعه با بحران‌های مختلف مواجه شده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی وضعیت پیچیده امروز جامعه ایران با کمال اطهاری گفت‌وگو کرده است. وی درباره شرایط کنونی جامعه معتقد است: «امروز در نظام جهانی شرط لازم برای بقای یک حاکمیت سیاسی این است که

هنگامی که ذات توسعه‌گرایانه نداشته باشید و پیروسه توسعه را تعریف نکرده باشید و موجودیت خود را در نفی دیگران ببینید در شرایطی قرار می‌گیرید که ماهیت خود را از دست می‌دهید

مواجه هستید که با فرار و نشیب‌هایی که شما با آن مواجه شدید در گذشته در نقاط دیگر مواجه بوده‌و با آن آشناست. از سوی دیگر دارای توانایی نظامی و به خصوص اقتصادی است و به همین دلیل این فن را بدل خواهد زد. در چنین شرایطی باید امتیازات را می‌بادله کرد.

◀ **عدم درک هژمونی سیال در منطقه چه امتیازاتی را از کشور گرفت؟**

انگلس تعبیر جالبی دارد که عنوان می‌کند خرده بورژوازی تا نوک دماغ خود را بیشتر نمی‌بیند. به همین دلیل امتیازاتی که دارد به موقع مبادله نمی‌کند. این در حالی است که بورژوازی نگاه بلندمدت دارد. بورژوازی دنبال ایجاد کارخانه است و می‌داند که ممکن است ۱۰ سال طول بکشد تا یک کارخانه به

نبوغ نظامی و شعور اجتماعی قاسم سلیمانی است که توانست دستاوردهایی برای ایران و عراق به وجود بیاید و داعش از بین برود. نکته‌ای که تصمیم‌گیران نباید فراموش کنند این است که هژمونی سیال است

◀ **نداشتن نقشه راه برای پیروسه توسعه بیشتر در شرایط پیچیده امروز نقش داشت یا رویکردی که نیروهای خارجی را نفی می‌کرد؟**

من در این زمینه اتحاد جماهیر شوروی را مثال می‌زنم که در اوج قدرت خود از هم فروپاشید و نه در دوران حوضیض. دلیل اصلی شوروی نیز این بود توسعه‌ای را که به مردم قول داده بود نتوانست به ارمان بیاورد. در واقع سیاست‌های اقتصادی شورایی نتوانست تولید و بازتولید گسترده و نوآوری داشته باشد. این در حالی بود که در همان زمان سرمایه‌داری با نوآوری وارد اقتصاد دانش و عصر بسامعنتی شد. در چنین شرایطی بود که اتحاد شوروی در عصر صنعتی جاماند و به همین دلیل از تاریخ حذف شد. اغلب صاحب‌نظران در سال‌های اخیر این مسائل را به دولت‌ها هشدار داده‌اند اما دولت در ایران به این هشدارها گوش نمی‌دهد. باید توجه داشت که کیش شخصیت آفت مهمی است که می‌تواند گریبان دولت را بگیرد.

◀ **در سالگرد شهادت شهید سلیمانی چه نگاهی به تلاش‌های منطقه‌ای ایران دارید؟**

بخشی از عمق استراتژیکی که ایران داشت به معرفت و شعور فردی ما مانند قاسم سلیمانی بستگی داشت. در واقع نبوغ نظامی و شعور اجتماعی قاسم سلیمانی است که توانست دستاوردهایی برای ایران و عراق به وجود بیاید و داعش از بین برود. نکته‌ای که تصمیم‌گیران نباید فراموش کنند این است که هژمونی سیال است و امتیازی که امروز به دست آوردید ممکن است فردا از دست برود. دلیل آن نیز این است که با حرفی

<b>یکشنبه</b>	
<b>۱۶ • ۱۵ • ۱۴</b>	سال پنجم
۴ رجب ۱۴۴۶ / ۵ ژانویه ۲۰۲۵	شماره ۲۱۴

armanmeli.ir



توانسته باشد نهاد‌های یک رژیم انباشت درون‌زا و برون‌نگر را تعریف کند که زنجیره داخلی ارزش آن متنوع و در پیوند با زنجیره جهانی ارزش باشد. حال اگر این ساختار بتواند به مرحله نوآوری هم برسد که رفاه و دموکراسی شرط آن است، شرط کافی را برای توسعه پایدار در این نظام جهانی به دست آورده است. در غیر این صورت کشور در تله توسعه می‌افتد و خود در اثر بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، رو به فروپاشی می‌رود. واقعیت این است که از عهده شرط لازم برنیا آمده‌ایم تا به شرط کافی برسیم. خروج سالانه ۲۰ تا ۸۰ میلیارد دلار از ایران که حاصل رانت جویی بوده و به طور متوسط دو برابر سرمایه‌گذاری در بخش مولد بوده. نمونه بارز این موضوع است.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

قرارداد بستند. قراردادهایی که به دلیل عدم الحاق به FATF قابلیت تحقق ندارد.

◀ **آیا دولت‌ها با فرصت سوزی مواجه شده‌اند که امروز وضعیت جامعه به این نقطه رسیده که با بحران‌های مختلف مواجه است؟**

به صورت کلی دولت مدرن به مثابه حافظ و مجری امر عمومی هنگامی موجودیت و بقا می‌یابد که امر خصوصی موجودیت و بقا داشته باشد. حاصل این رابطه دیالکتیکی بین امر عمومی با خصوصی تشکیل و بقای «دولت-ملت» خواهد بود. در چنین شرایطی هر چه جامعه مدنی قوی‌تر شود دولت یا حاکمیت نیز قوی‌تر خواهد شد. اما تجربه شوروی سابق نشان می‌دهد هرچه جامعه مدنی تضعیف شود، به ضعف وفور و نفوذ منجر خواهد شد. امروز در نظام جهانی شرط لازم برای بقای یک حاکمیت سیاسی این است که توانسته باشد نهاد‌های یک رژیم انباشت درون‌زا و برون‌نگر را تعریف کند که زنجیره داخلی ارزش آن متنوع و در پیوند با زنجیره جهانی ارزش باشد. حال اگر این حاکمیت بتواند به مرحله نوآوری هم برسد که رفاه و دموکراسی شرط آن است شرط کافی را برای توسعه پایدار در این نظام جهانی به دست آورده است. در غیر این صورت کشور را در تله توسعه انداخته و در اثر بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، رو به فروپاشی می‌رود. واقعیت این است که از عهده شرط لازم برنیا آمده‌ایم تا به شرط کافی برسیم. خروج سالانه ۲۰ تا ۸۰ میلیارد دلار از ایران که حاصل رانت جویی بوده و به طور متوسط دو برابر سرمایه‌گذاری در بخش مولد بوده نمونه بارز این موضوع است. در تئوفودالیسم برخلاف فئودالیسم رانت جویی انحصاری نیست، بلکه از انواع روابط با مدیران دولتی حاصل می‌آید که با اعطای امتیازات ثروت می‌اندوزند. با دگونی نهادی ناشی از رانت جویی- حکومت سلسله مراتبی مشابه نظام فئودالی به وجود می‌آورد که در آن برگزیدگان دارای امتیازاتی ویژه هستند. به عبارت دیگر دولت تئوفودال روبنایی مبتنی بر انحصار و زور ایجاد می‌کند که بر زیربنای سرمایه‌دارانه حاکم می‌شود. در نتیجه جلوی قانون سرمایه‌داری یعنی «تولید و بازتولید گسترده با انقلاب بیابی در تولید» را می‌گیرد و با ایجاد بحران ساختاری دائمی و فزاینده اقتصادی در شرایطی قرار می‌گیرد.

◀ **با توجه به شرایط موجود راه برون رفت از شرایط پیچیده امروز جامعه ایران را چه می‌دانید؟**

واقعیت این است که کوشش جامعه مدنی شجاع و با فرهنگ ایران با عقل سلیم تاریخی خود برای سامان دادن به اوضاع داخلی و خارجی با قدرت بخشیدن به جناح میانه در اثر به کار افتادن دوباره دو تیغه قیچی راه به جایی نبرد تا با دولت یکدست، تهدید خارجی و غفلت داخلی به اوج رسد و انگاره‌ای جز برای رانت جویان و اندکی از مردم درمانده باقی نماند. من معتقدم بی‌توجهی برخی تصمیم‌گیران جامعه را انسان‌های شریف و مردم آرمان خواهی می‌بیند که فداکاری‌ها و توان‌های مادی و معنوی آنها را طوفان این بی‌توجهی هدر می‌دهد. همان‌طور که تغییرات بسیار مخرب اقلیمی، ناشی از ناکارآمدی و ناتوانی دولت‌ها در ساماندهی استفاده از منابع طبیعی بوده. تغییرات بسیار مخرب تاریخی نیز ناشی از این ناکارآمدی و ناتوانی است. در شرایط کنونی نیز اگر نخبگان نتوانند در فرصتی که پیش آمده انگاره‌ای نو برای جهت‌دادن به اراده‌ی ملی و مردمی برای خلق مشخص نهاد‌های نوین بیافرینند خطر جدی است که آینده کشور با مخاطرات جدی مواجه شود.

آقای عراقچی به رستوران برود و شام بخورد، بیان کرد: رئیس‌جمهور در جریان انتخابات گفته بود تا چه زمانی مردم باید منظر جنگ باشند. آقای پزشکیان قول داده است که مردم دیگر نگران جنگ و افزایش قیمت دلار نباشند. بنابراین، سیاست خارجی ما باید به سمت همکاری با جامعه بین‌المللی حرکت کند و از تنش‌ها پرہیز کند. اگر بخواهیم از انزوا خارج شویم، باید همکاری لازم را داشته باشیم. رستوران رفتن آقای عراقچی در سوریه به معنی ثبات آن کشور نبود. در نهایت، این سیاست خارجی نیازمند جراحی و تغییرات اساسی است.

### تلنگر

گزارش «آرمان ملی» از بی‌تدبیری مخالفان مذاکره

نمی‌توان مذاکره را به تمامی نفی کرد

آرمان ملی – احسان اسقایی: بدون شک هر کشوری جز ایران و هرملتی جز ملت بزرگوار ایران در طول این سال‌ها زیر بار تحریم‌های کمرشکن، بی‌رحمانه و ظالمانه آمریکا قرار داشتند گرفتار جالش‌های درونی به زیادی می‌شد و در نهایت همچون سوریه، عراق، لیبی، چهار فروپاشی می‌شد اما ملت ایران در کنار ظرفیت‌های منحصر به فرد کشور ایران آن قدر مستحکم ایستاده‌اند که بعد از چند دهه تحریم بین‌المللی و تک جانبه از سوی ایالات متحده آمریکا هنوز خم نشده‌اند. با وجود اینکه مقامات عالی کشور بارها و بارها اعلام کرده‌اند که مذاکره برای رفع تحریم‌های ظالمانه در چارچوب منافع ملی مشکلی ندارد اما هستند برخی از تندرورها که حتی رسانه‌هایشان دیگر خریداری ندارد اما هر روز افراد و رسانه‌هایی که اعتقاد به مذاکره برای لغو تحریم‌ها در چارچوب منافع ملی دارند را مورد تاخت‌وتاز قرار می‌دهند و آن‌ها را غرب‌گرا و نابالغ می‌دانند. در برابر همه البته هیچ راهی جز ادامه مسیر موجود را بر نمی‌تابند. اخیراً یکی از تندرورهای یادداشتی در روزنامه خود دور جدیدی از حملات به رسانه‌هایی که اخبار مذاکرات هسته‌ای را پیگیری می‌کنند را آغاز کرده است. او در بخشی از یادداشت خود کوشیده جریان اصلاح طلب و مذاکره خواه را ستون پنجم بداند. سؤال مهم این است که با استناد به چه چیز اصلاح طلبان را ستون پنجم می‌دانید؟ شما اصلاح طلبان و افرادی که خواستار مذاکره هستند را ستون پنجم دشمن می‌دانند. سؤال این است که آیا زمانی که وزیر امور خارجه و برخی از مسئولین کشور از مذاکره در چارچوب منافع ملی حمایت کرده‌اند، نباید دستگاه سیاست خارجی ایران به دنبال یافتن راهی برای رفع تحریم‌ها باشد؟ اخیراً شنیده شده است که مسعود پزشکیان پیشنهادی به آقای سعید جلیلی رئیس تشکیلات (دولت در سایه) داده است که اگر فکر می‌کنید که می‌توانید مسائل کشور را حل کنید سمت معاون اولی را بپذیرید. اکنون هم پیشنهاد این است آیا حضرت‌عالی که سردار اهل قلم هستید می‌تواند مسائل حوزه سیاست خارجی کشور را حل کنید؟ اگر این طور است چرا خود پیشنهادی به رئیس‌جمهور نمی‌دهید که وزارت خارجه را به شما بسپارد؟ اتفاقاً آقای پزشکیان با وفاق وفاق کردن سهم خوبی از کابینه خود به جریان مخالف مذاکره داده است!

◀ **واگیری از روحانی**

وی در بخش دیگری در یادداشت خود نوشته است: کسانی که این روزها به جای تلاش برای حل برخی از مشکلات پیش روی، نسخه مذاکره با آمریکا را می‌پسندند، یا «ساده‌لوحند» و از هوشمندی چندانی برخوردار نیستند، یا «ناکارآمدند» و ناتوانی خود در حل مشکلات از زیرپوشش مذاکره با آمریکا پنهان می‌کنند، یا خیالی خواسته به فریب‌با طمع («سرو سری با دشمن دارند») و یا به قول آقای روحانی- که البته با بینش و منش خود ایشان همخوانی چندانی نداشت! «دیوانه‌اند». استفاده از این ادبیات در ارتباط با افرادی که خواستار مذاکره هستند، چندان غریب نیست اما سؤال این است که به راستی برای عبور از شرایط کنونی کشور چه باید کرد؟ برای مثال برای عبور از بحران برق و گاز چه باید کرد؟ آیا پیشنهاد شما مثلا این است که از روشی که امیرحسین ثابتی با حمله به دولت پزشکیان اعلام کرده مشکلات را رفع کنیم؟ آقای ثابتی می‌گوید که در دوران ریاست جمهوری مرحوم رئیسی مشکل کمبود سوخت و گاز از طریق واردات حل شده است. در آن زمان در خیرها آمده بود که آن دولت به دنبال واردات گاز از روسیه بود. همان زمان کارشناسان انتقاد کردند که اگر قرار از این مشکلات از طریق واردات برای مقطعی حل شود اما حتی بول پرداخت گاز وارداتی از روسیه را نداشته باشیم باید چه کنیم؟ باید به کشوری بدهکار به روس‌ها تبدیل شویم؟ هرچند این روزها تنها او نیست که به خاطر ضعف‌ها به دولت حمله می‌کند و مذاکره را امری مثبت نمی‌دانند. بسیاری از مخالفان دولت هم هستند که به دولت از راه نرسیده حملات خود را آغاز کرده‌اند. این در حالی است که مردم سال‌هاست به علت فشارهای اقتصادی که به خاطر تحریم‌ها و سوء مدیریت‌ها ایجاد شده تنها به دنبال یک زندگی نرمال هستند. واقعیت زمانی که مرحوم ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور به دنبال مذاکره به منظور لغو تحریم‌های ظالمانه بود آیا این افراد جرات داشتند از آقای رئیسی انتقاد کنند که مذاکره درست نیست؟ اجازه دهید! در فرض که مذاکره را به علت بدهد می‌آمیزایی‌ها ممنوع کنیم خاک آن به چشم چه کسی می‌رود؟ قطعاً چشمان شما به خاطر عینک مناسب و احتمالاً وضعیت مالی خوب از گزند خاک در امان خواهد بود اما شرایط برای قشر فقیر جامعه بهبود نمی‌یابد.